



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2, Number: 4



An analysis of the role of the infallible Imam's voluntary suffering in collective guidance and transformation

Maryam Sadat Hashemi*, Hamzeh Ali Bahrami**,
Ali Taghavi**

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2026.547567.1094>

Receipt: 2025/09/16 - Accepted: 2025/10/28

(263-282)

Abstract

The conscious and voluntary suffering of the infallible Imam is not a mere historical event, but rather part of the divine mission and a means of guiding the nation. However, most previous research has focused on emotional dimensions or historical narrative, and has paid less attention to the structured analysis of the “freedom to accept suffering” and its role in “collective spiritual transformation.” The main question of this research is how the voluntary suffering of the infallible Imam can act as a stimulus for the spiritual guidance and reconstruction of society? This question becomes doubly important in the face of doubts such as the unwillingness of the Imam’s martyrdom or political failure. Therefore, the present article, with an interdisciplinary approach, explains the position of the Imam’s voluntary suffering within the framework of the doctrine of “divine proof” in Imami theology and compares it with theories of collective transformation in the social sciences, including “moral shock” and “collective memory.” The findings show that such suffering, in addition to its epistemological role in individual guidance, can challenge previous frameworks of understanding and values of society, and as a result, force people to search for new meanings and reconstruct collective identity; a process that guarantees religious cohesion and the dynamism of society's beliefs in the long term. Therefore, the innovation of this research lies in presenting a conceptual model for the connection between "authority in suffering" and "collective transformation" that fills the gap in theological literature and the sociology of religion and provides a contemporary answer to critical questions about the why and function of the Imam's suffering.

Keywords: Voluntary suffering, Infallible Imam, Guidance of the Ummah, Collective Spiritual Transformation, Imamiyya Theology, Collective Memory, Moral Shock.

*. PhD in Islamic Theology, University Lecturer, (Responsible author), Isfahan, Iran, hashmysadat@gmail.com.

***. Associate Professor, Faculty member of the Department of Teaching of Islamic, University of Isfahan, Isfahan, Iran, j.Shahnazari@ir.ac.ui.tr.

****. PhD in Islamic Studies, Assistant Professor, Department of Quran and Islamic Texts, Qom University of Islamic Studies, Qom, Iran, Taghavi@Maaref.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

http://rahnama.isri.ac.ir

سال دوم، شماره چهارم

تحلیلی بر نقش رنج اختیاری امام معصوم (ع) در هدایت و تحول جمعی

مریم‌السادات هاشمی* حمزه علی بهرامی** علی تقوی***

Doi: 10.22034/gr.2026.547567.1094

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

نوع مقاله: علمی پژوهشی

(۲۶۳-۲۸۲)



چکیده

رنج آگاهانه و اختیاری امام معصوم، نه یک رخداد صرفاً تاریخی، بلکه بخشی از مأموریت الهی و ابزار هدایت امت است. با این حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین به ابعاد احساسی یا روایت تاریخی پرداخته و کمتر به تحلیل ساختارمند «اختیار پذیرش رنج» و نقش آن در «تحول معنوی جمعی» توجه داشته‌اند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: رنج اختیاری امام معصوم چگونه می‌تواند به مثابه محرک هدایت و بازسازی معنوی جامعه عمل کند؟ این پرسش در مواجهه با شبهاتی مانند ناخواسته بودن شهادت یا ناکامی سیاسی امام، اهمیت مضاعف می‌یابد. از این رو، مقاله پیش‌رو با رویکردی بین‌رشته‌ای، جایگاه رنج اختیاری امام را در چهارچوب آموزه «حجت الهی» در کلام امامیه تبیین کرده و آن را با نظریه‌های تحول جمعی در علوم اجتماعی، از جمله «شوک اخلاقی» و «حافظه جمعی»، تطبیق می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که چنین رنجی، علاوه بر نقش معرفتی در هدایت فردی، می‌تواند چهارچوب‌های پیشین فهم و ارزش‌های جامعه را به چالش کشیده و در نتیجه، مردمان را به جست‌وجوی معانی تازه و بازسازی هویت جمعی وادارد؛ فرایندی که انسجام دینی و پویایی اعتقادی جامعه را در بلندمدت تضمین می‌کند. بدین جهت، نوآوری این پژوهش در ارائه مدلی مفهومی برای پیوند «اختیار در رنج» و «تحول جمعی» است که خلأ موجود در ادبیات کلامی و جامعه‌شناسی دین را پر ساخته و پاسخی معاصرپسند به پرسش‌های انتقادی درباره چرایی و کارکرد رنج امام فراهم می‌آورد.

کلیدواژگان: رنج اختیاری، امام معصوم، هدایت امت، تحول معنوی جمعی، کلام امامیه، حافظه جمعی، شوک اخلاقی.

*. دکتری کلام اسلامی، مدرس دانشگاه، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، hashmysadat@gmail.com
**. دانشجویار گروه معارف اسلامی دانشکده اهل‌ال بیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، j.Shahnazari@ir.ac.ui.tr
***. استادیار گروه قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران، Taghavi@Maaref.ac.ir

مقدمه

رنج در آموزه‌های دینی، همواره عرصه‌ای برای آزمون، پالایش و بیداری معنوی انسان بوده است. این قاعده در مکتب امامیه نیز جریان دارد، اما در این مکتب معنا و کارکرد رنج از سطح فردی به سطحی راهبردی و متمایز از معنا ارتقا می‌یابد؛ زیرا امام معصوم نه از روی اجبار، بلکه با آگاهی کامل و به اختیار، پذیرای رنج می‌شود و آن را ابزار عقلانی تحقق مأموریت الهی خویش و وسیله‌ای برای هدایت امت قرار می‌دهد. بدین‌سان، رنج در امامیه همچنان در چهارچوب عام الهی معنا دارد، اما در مصادیق امامان معصوم، به کنشی آگاهانه تبدیل می‌شود که ساحتی فراگیر و اجتماعی می‌یابد.

این رنج اختیاری در دوره‌های گوناگون حیات ائمه (ع) جلوه‌های متنوعی یافته است: از صلح تحمیلی و حکیمانه امام حسن (ع)، عزلت‌گزینی و عبادت در فشار امام سجاد (ع)، تا حبس‌های طولانی امام کاظم (ع) و شهادت آگاهانه در واقعه عاشورا. مقصود از «اختیاری بودن» در این مصادیق، نه فقدان فشار بیرونی، بلکه انتخاب آگاهانه شیوه مواجهه با آن فشار در چهارچوب مأموریت الهی است. امام در هر موقعیت، میان گزینه‌های ممکن، آن کنشی را برمی‌گزیند که بیشترین سازگاری را با حکمت و رضای الهی دارد. از این رو، حتی صلح یا عزلت ظاهراً تحمیلی نیز در منطق امامت، فعل مختارانه‌ای برای هدایت امت است، زیرا امام با علم و عصمت خویش نحوه تحقق تکلیف را آگاهانه تعیین می‌کند.

از همین رهگذر، پرسش اصلی این پژوهش آن است که رنج اختیاری امام معصوم چه نقشی در هدایت و تحول معنوی جمعی امت ایفا می‌کند، و این نقش در چهارچوب کلام امامیه چه ابعاد و پیامدهایی دارد.

ضرورت پرداختن به موضوع در سه بُعد شکل می‌گیرد:

۱. نبود پژوهش جامع که نقش رنج اختیاری را در کل سیره ائمه (ع) - نه صرفاً در یک واقعه خاص - با رویکرد تحلیلی و مبتنی بر کلام امامیه بررسی کند؛ ۲. افزایش پرسش‌ها و شبهات معاصر در باب فلسفه پذیرش آگاهانه رنج و نسبت آن با موفقیت یا ناکامی ظاهری امام؛ ۳. ظرفیت پیوند دادن تحلیل این نقش با نظریه‌های معتبر علوم اجتماعی برای ارائه الگویی بومی در تبیین تغییرات جمعی.

یافته‌های این پژوهش، بر پایه تحلیل کلامی-اجتماعی، نشان می‌دهد که رنج اختیاری امام معصوم نقشی سه‌بعدی دارد: ایجاد بحران معنایی و ارزشی در جامعه، فراهم‌سازی زمینه بازسازی هویت جمعی، و تثبیت الگویی پایدار از هدایت که الهام‌بخش نسل‌های بعد می‌ماند.

بدین‌سان، نوآوری جامع مقاله در ارائه مدلی تحلیلی است که برای نخستین بار همه مصادیق رنج اختیاری ائمه علیهم‌السلام را در بستر کلام امامیه و با بهره‌گیری از نظریه‌های «شوکت اخلاقی» و «حافظه جمعی»، به صورت تلفیقی بررسی می‌کند و کارکرد هدایتی آن را در تحول معنوی جمعی امت تبیین می‌نماید.

پیشینه پژوهش

بحث درباره «رنج امام معصوم» در منابع تاریخی، تفسیری، کلامی و علوم انسانی مطرح شده است؛ با این حال، بررسی انتقادی آثار شاخص این حوزه نشان می‌دهد که رویکردهای موجود را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی و از یکدیگر تفکیک کرد:

۱. رویکرد تاریخی-روایی: بخش مهمی از آثار کهن، همچون الفتوح ابن اعثم، مقتل ابی مخنف، و تاریخ طبری، هرچند پایه اصلی داده‌های تاریخی درباره مصائب ائمه علیهم‌السلام را فراهم کرده‌اند، عمدتاً بر نقل وقایع، سوگواری و ثبت روایت متمرکزند. تحلیل‌های متأخر تاریخی مانند اثر شیخ جعفر شهیدی نیز با آنکه عمق اخلاقی واقعه عاشورا را می‌نمایانند، هنوز رنج امام را در سطح واکنش اخلاقی به ظلم فهم می‌کنند، نه کنش آگاهانه راهبردی. برخلاف این آثار، مقاله پیش‌رو از صرف روایت تاریخی عبور کرده و رنج امام را به مثابه کنش هدایتی راهبردی در چهارچوب نظریه امامت تحلیل می‌کند؛ یعنی هر رخداد را نه تنها واقعه‌ای تاریخی، بلکه حلقه‌ای در مدل تحول معنوی جمعی تفسیر می‌نماید.

۲. رویکرد کلامی-فلسفی: در آثار متکلمان امامیه، از جمله شیخ مفید در اوائل المقالات، سید مرتضی در الشافی فی الامامة، و خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید الاعتقاد، موضوع علم امام نسبت به مصائب و پذیرش آن‌ها در چهارچوب عصمت و علم لدنی تبیین شده است. علامه طباطبایی در المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۴۶) و

آیت الله سبحانی در منشور جاوید (سبحانی، ۱۴۰۲، ج ۳: ۲۳۵-۲۵۵) نیز با تأکید بر آگاهی و اراده امام در تحمل رنج، این رخدادها را «امتحانی الهی در مسیر هدایت» دانسته‌اند. با وجود دقت کلامی فراوان، این آثار رنج امام را بیشتر در سطح اعتقادی و فردی بررسی کرده‌اند و پیوند آن را با تحولات اجتماعی و نظریه‌های علوم انسانی کمتر گشوده‌اند. اما در این مقاله، مفاهیم بنیادین در آثار مفید، مرتضی، طباطبایی و سبحانی، با حفظ اصالت کلامی‌شان، به مدل تحلیلی بین‌رشته‌ای پیوند داده شده است. رنج امام به مثابه مکانیسم هدایتی در چرخه تحول جمعی تفسیر می‌شود، نه صرفاً به عنوان آزمون ایمان یا فعل فردی معصوم.

۳. رویکرد اجتماعی-انسان‌شناختی: در چند دهه اخیر، بعضی مطالعات جامعه‌شناسی دین، مانند پژوهش‌های آلویس اسپان تحت عنوان «حافظه و هویت» و اثر یاسین حمید صفی‌الدین تحت عنوان «حافظه کربلا و بسیج شیعیان»، بر نقش آیین‌های عاشورا در حافظه جمعی و بازتولید هویت دینی تمرکز کرده‌اند. این آثار سازوکارهای انتقال معنا از نسلی به نسل دیگر را توضیح داده‌اند، اما فاقد پیوند مستقیم با آموزه‌های عصمت و علم امام در کلام شیعی هستند و در نتیجه، رنج را صرفاً به مثابه نماد فرهنگی یا مناسکی تحلیل کرده‌اند. اما مقاله پیش‌رو با ترکیب مبانی کلام امامیه با نظریات علوم اجتماعی، رنج امام را نه یک نماد فرهنگی، بلکه فعل هدایتی عقلانی می‌داند که حافظه جمعی و ساخت اخلاقی امت را به صورت منسجم بازسازی می‌کند.

بنابراین، برخلاف آثار فوق -که هر یک به بخشی محدود از موضوع پرداخته‌اند- این پژوهش برای نخستین بار سه سطح تحلیل کلامی، فلسفی و اجتماعی را در قالب یک مدل تلفیقی هم‌زمان به کار می‌گیرد تا نشان دهد رنج اختیاری امام معصوم چگونه با علم و عصمت الهی آغاز می‌شود، با شوک اخلاقی و بحران معنایی جامعه امتداد می‌یابد، و در نهایت به بازسازی هویت جمعی و تثبیت پیام هدایت منجر می‌شود.

۱. تبیین مفاهیم محوری

۱-۱. رنج اختیاری امام معصوم

رنج اختیاری امام معصوم به تحمل آگاهانه و ارادی آلام جسمی، روانی، اجتماعی و سیاسی اطلاق می‌شود که امام، با علم به پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن و بدون اجبار بیرونی، در راستای انجام مأموریت الهی و هدایت امت به پذیرش آن اقدام می‌کند. این انتخاب مبتنی بر علم لدنی امام و عصمت اوست و در سنت امامیه، به مثابه بخشی از رسالت و جایگاه ولایت تکوینی و تشریحی امام معنا می‌یابد (سبحانی، ۱۴۰۲: ۲۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۴۶؛ مطهری، ۱۳۷۴الف: ۴۸).

در مقابل، رنج‌های غیراختیاری انسان‌های عادی معمولاً محصول عوامل طبیعی، اجتماعی یا اخلاقی‌اند و خارج از اراده آگاهانه او رخ می‌دهند؛ مانند مصیبت‌ها، بیماری‌ها یا فشارهای بیرونی که فرد صرفاً آن‌ها را تحمل می‌کند، نه انتخاب. در نگاه امامیه، چنین رنجی گرچه ممکن است جنبه تربیتی داشته باشد، اما فاقد کارکرد هدایتی و رسالتی است که در فعل امام دیده می‌شود (صدوق، ۱۳۶۱: ۴۷ و ۴۸؛ طوسی، ۱۴۲۶: ۳۴۷). تفاوت اساسی در منبع و غایت رنج است: امام، رنج را از جایگاه علم و عصمت برمی‌گزیند تا حجت الهی را تمام کند؛ درحالی‌که انسان عادی رنج را به حکم قضا و قدر الهی می‌پذیرد بی‌آنکه از پیام جمعی آن آگاه باشد (حلی، بی‌تا: ۲۸۱).

۱-۲. هدایت

«هدایت» در اصطلاح قرآنی و کلامی، هم به معنای «ارائه طریق» و هم «ایصال به مطلوب» به کار می‌رود. در مکتب امامیه، هدایت امام معصوم دارای هر دو بُعد است؛ یعنی نه تنها راه را نشان می‌دهد توان رساندن مردم به مقصد را نیز دارد. این بُعد دوم در پیوند مستقیم با ولایت تکوینی امام قرار دارد (مطهری، ۱۳۷۴الف: ۵۵).

۱-۳. تحول معنوی جمعی

تحول معنوی جمعی به تغییرات بنیادین و پایدار در باورها، ارزش‌ها و رفتارهای یک جامعه براساس مبانی و هنجارهای دینی گفته می‌شود (ایبرمن، ۲۰۰۱: ۷ و ۶). این تحول در بستر

امامیه غالباً در پی رویدادهایی بحرانی شکل می‌گیرد که رنج اختیاری امام معصوم در مرکز آن قرار دارد و منجر به بازاندیشی معنوی، بازسازی هویت و همبستگی جدید میان اعضای امت می‌شود.

۴-۱. شوک اخلاقی

شوک اخلاقی وضعیتی است که در آن یک رویداد با بار عاطفی و ارزشی شدید، نظام هنجاری موجود جامعه را متزلزل کرده و اعضای آن را وادار به بازنگری در اصول و ارزش‌های اخلاقی خود می‌کند. این مفهوم در نظریه‌های جنبش اجتماعی توضیح می‌دهد که چگونه فجایع یا ایثارگری‌های بی‌سابقه می‌توانند به کنش جمعی و تغییرات ساختاری بینجامند (جاسپر، ۱۹۹۷: ۱۰۶). در سیره امامان، این شوک می‌تواند از طریق مواجهه امت با صحنه‌های رنج آگاهانه و هدفمند امام ایجاد شود.

۵-۱. حافظه جمعی

حافظه جمعی فرایند اجتماعی و فرهنگی ثبت، بازتولید و انتقال معانی و تصاویر مرتبط با رخداد‌های تاریخی در ضمیر یک امت یا گروه است. این حافظه نه صرفاً یاد گذشته، بلکه بازسازی مستمر آن در پرتو نیازها و شرایط حال است (حلواکس، ۱۹۹۲: ۳۸). رنج اختیاری امام معصوم، به‌واسطه ظرفیت نمادین و آیینی‌اش، در حافظه جمعی شیعه نهادینه شده و به منبع الهام برای کنش دینی و اجتماعی در دوره‌های بعد تبدیل می‌شود.

۲. مبانی کلامی رنج اختیاری امام معصوم

در آثار کلاسیک کلام امامیه، اصطلاح «رنج اختیاری امام» به‌صورت لفظی مطرح نشده است، اما مفاهیمی چون علم امام به سرنوشت، رضایت به قضا، و پیوند عصمت با مأموریت الهی، بنیان فهم این اصل را فراهم می‌سازد. برپایه مبانی امامیه، امام معصوم به‌دلیل عصمت و علم لدنی، نه تنها از آینده خویش آگاه است، هر فعلی را در افق رضای الهی و حکمتی کلان در نظام هدایت برمی‌گزیند؛ بنابراین، تحمل رنج ازسوی امام، عمل آگاهانه‌ای است که از درون اراده هدایت برخاسته و به پذیرش قهر و ظلم از بیرون تقلیل نمی‌یابد.

شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد (مفید، ۱۴۱۳: ۶۰) با تأکید بر علم پیشین امام به زمان و کیفیت شهادت، بیان می‌کند که این علم، موجب اختیار آگاهانه رنج می‌شود، زیرا امام هرگز در فعل خود مقهور نیروهای بیرونی نیست؛ بلکه فعلی صادر از علم و قصد الهی دارد. سید مرتضی در تنزیه الأنبیاء (سید مرتضی، ۱۴۰۶: ۱۸۰) همین معنا را تبیین می‌کند و می‌گوید: آگاهی امام از مصائب نه ناقض اختیار، بلکه نشانه کمال عقل و عبودیت است؛ چون امام، با معرفت کامل به خیر و شر، جانب رضای الهی را انتخاب می‌کند. علامه طباطبایی نیز در المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۴۶) توضیح می‌دهد که «رضا به تقدیر» در وجود امام، از جنس تسلیم منفعلانه نیست؛ بلکه پذیرش فعال حکمت خداوند در مسیر هدایت امت است.

از این رو، در تحلیل کلامی، رنج امام را باید در قالب «فعل هدایتی» فهم کرد، نه در قالب تجربه شخصی یا مظلومیت تاریخی. این رنج، ارادی است چون مسبوق به علم است؛ مأموریتی است چون در جهت تحقق حجت و هدایت امت وضع شده؛ و عقلانی است چون تابع سنجش خیر و شر در افق علم لدنی امام است. به تعبیر دقیق‌تر، این انتخاب، بازتاب فعلی است که در آن اراده امام با اراده الهی هم‌جهت می‌شود و از رهگذر آن، رنج به ابزار هدایت بدل می‌گردد. چنین برداشتی با دیدگاه امامیه در باب «رضا و تسلیم معصوم» سازگار است؛ رضایی که نه به معنای سستی، بلکه نشانه فعلیت ایمان در مقام عمل و آگاهی مطلق به خیر الهی است.

براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که رنج امام نه پدیده‌ای تحمیلی، بلکه انتخابی معرفتی و مأموریتی الهی است؛ انتخابی که در آن عدالت و تکلیف الهی تبلور می‌یابد و به‌گونه‌ای درونی و عقلانی در ساختار امامت رسوخ کرده است. از این دیدگاه، پذیرش رنج، بخش مکمل مأموریت امام در حفظ حجت و صیانت معنای دین است، نه رخدادی بیرون از اراده یا اقتضای زمان. بر همین بنیاد، مبانی این برداشت را می‌توان در سه محور پیگیری کرد:

۱-۲. جایگاه رنج در نظریه امامت

امامیه براساس نصوص دینی و مبانی عقلی، امامت را مقامی الهی و استمراربخش نبوت می‌داند که حامل دو سطح از هدایت، یعنی «تشریعی» و «تکوینی» است (سبحانی، ۱۴۰۲: ۲۵۵). هدایت تشریعی به معنای تعلیم و اقامه حق در حوزه اراده و رفتار انسانی است، و هدایت تکوینی، نوعی ولایت باطنی بر نفوس و جامعه که امام به واسطه علم و عصمت خویش در آن دخالت وجودی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۴۶)؛ بدین‌سان، امامت نه منصب صرف بیان حکم، بلکه ذات فعلیت هدایت در عالم انسانی است.

در این دستگاه فکری، رنج اختیاری امام صورت عملی و تاریخی تحقق همین هدایت دوگانه است؛ زیرا آنچه در مقام تعلیم و تربیت امت بیان می‌شود، در میدان رنج به نمایش عینی درمی‌آید. آن رنج آگاهانه، در بُعد تشریعی، زبان پیام است رنجی که معنا را آشکار و حدود حقیقت را عینی می‌سازد؛ و در بُعد تکوینی، نیروی تحول را در قلوب و وجدان جمعی جاری می‌کند. در منابع کلامی امامیه آمده است که فعل امام در پذیرش مشقت، از سنخ اطاعت و حجت است، زیرا خداوند از طریق اراده امام، حقیقت هدایت را در عالم واقع تمثیل می‌بخشد (مفید، ۱۴۲۵: ۶۰). همچنین، علم امام به مصائب مقدر، نه ناقض اختیار، بلکه شرط کمال عبودیت است، و همین اتحاد علم و اراده است که رنج را به فعل هدایتگر بدل می‌کند (سید مرتضی، ۱۴۰۰: ۱۸۰).

در آثار دیگر کلامی نیز تبیین شده که امام در مقام اطاعت واجد اراده‌ای از سنخ عقل قدسی است؛ بنابراین، هر کنش او در تحمل رنج نمودی از فعل الهی در عرصه بشری است (طوسی، ۱۴۲۶: ۳۴۷). از آن‌رو که امام مظهر اراده خداوند است، صبر و ابتلای او نیز حکمتمند و تربیت‌بخش است، نه انفعالی و طبیعی (حلی، ۱۴۲۶: ۳۴۷). براین اساس، تحمل آگاهانه رنج، یکی از ابزارهای عملی امام برای تکمیل حجت الهی و آشکارسازی حقایق است؛ زیرا در آن، علم امام با حکمت الهی به وحدت می‌رسد و حقیقت به زبان عمل ظهور می‌یابد. این رنج، در منطق امامیه، کارکردی «پیامی» دارد و نه صرفاً فردی؛ یعنی هر لحظه از آن در خدمت انتقال معنا به امت است. در منابع تحلیلی معاصر نیز تأکید شده است که رنج امام، پیام دین را از سطح کلام به سطح وجود ارتقا می‌دهد (مطهری،

۱۳۷۴ الف: ۵۹)، و حتی شکل و زمان وقوع آن نیز تابع تقدیر و سامان حکیمانه است تا رنج دقیقاً در لحظه‌ای رخ دهد که بیشترین ظرفیت هدایت و اتمام حجت را برای انسان و تاریخ داشته باشد.

۲-۲. پیوند عصمت و علم لدنی با انتخاب رنج

عصمت امام، به‌مثابه مصونیت ذاتی از خطا و میل به گناه، تضمین می‌کند که هر انتخابی در پذیرش رنج در افق رضای الهی و هماهنگی با مقتضای حکمت صورت گیرد. این مصونیت، نه انفعال اخلاقی، بلکه ظهور عقل الهی در اراده امام است؛ زیرا اراده امام در قلمرو عصمت، عین اراده حق می‌شود. علم لدنی امام نیز، که از اتصال وجودی او با منبع وحی ناشی است، سبب می‌گردد که رنج، در قلمرو آگاهی و قصد تفسیر شود نه اضطرار. بدین معنا، تحمل رنج امام فعل آگاهانه‌ای است که در مدار علم و عبادت جریان دارد؛ فعلی که در آن عدالت و حکمت الهی نه در سخن، بلکه در رفتار تاریخی تبلور می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۴۶). بدین ترتیب، رنج اختیاری امام تجلی کامل فعل معصوم است؛ فعلی که درون آن، معرفت و اراده به وحدت رسیده و حقیقت هدایت در صحنه تاریخ به ظهور می‌رسد.

۲-۳. تمایز با رنج‌های غیرارادی انسان‌های عادی

در نگاه امامیه، رنج انسان‌های معمولی غالباً ناشی از عوامل طبیعی، خطای شخصی یا ساختارهای اجتماعی است و لزوماً معنای قدسی یا کارکرد هدایتی ندارد؛ اما رنج امام معصوم، دارای سه ویژگی متمایز است: ۱. آگاهی کامل از ماهیت و پیامد آن پیش از وقوع؛ ۲. اختیار کامل در پذیرش یا عدم پذیرش؛ ۳. هدف الهی که فراتر از رستگاری فردی، به هدایت جمعی امت منجر می‌شود. این تمایز سبب می‌شود که رنج اختیاری امام، نه صرفاً تجربه‌ای انسانی، بلکه بخشی از سنت الهی در اقامه حق و ابطال باطل تلقی شود (سبحانی، ۱۴۰۲: ۲۰۰؛ مطهری، ۱۳۷۴ ب: ۹۵). براین اساس، از دیدگاه کلام امامیه، رنج اختیاری امام معصوم یک کنش ارادی راهبردی است که در بستر علم و عصمت شکل می‌گیرد و با هدف ایجاد تحول معنوی و اتمام حجت، جایگاهی بنیادین در مأموریت الهی امام دارد.

۳. کارکردهای هدایتی رنج اختیاری امام معصوم

رنج اختیاری امام معصوم، در سنت کلامی امامیه، فقط نشانه‌ای از صبر یا استقامت فردی نیست، بلکه ابزاری راهبردی برای انتقال پیام الهی و بازسازی معنوی امت است. این رنج، در پیوندی درهم‌تنیده با مقام امامت، دارای سطوح متنوعی از کارکردهای هدایتی است که با اتکا به علم لدنی، ولایت تکوینی و رسالت تشریحی امام صورت‌بندی می‌شوند.

۳-۱. هدایت تشریحی؛ راهنمایی آگاهانه و علنی

در بُعد تشریحی، رنج اختیاری امام کنشی است که قصد آشکار دارد: نشان دادن حقیقت و خط‌کشی مرز میان حق و باطل در برابر دیدگان مردم. این سطح از هدایت، همان «ارائه طریق» است (مطهری، ۱۳۷۴ الف: ۷۵) که در آن، انتخاب آگاهانه رنج، تبدیل به «متن زنده» و انکارناپذیر برای مخاطب می‌شود. واقعه عاشورا، با نمایش عینی تعارض عدالت و استبداد، زمینه طرح پرسش‌های بنیادین را برای جامعه فراهم آورد و مسیر هدایت را با شفافیتی تاریخی بازگشود (سبحانی، ۱۴۰۲: ۲۴۱).

۳-۲. هدایت تکوینی: اثرگذاری باطنی و اراده‌بخش

هدایت تکوینی به معنای رساندن افراد به مقصد الهی، حتی اگر خود به‌طور کامل آگاه از مسیر نباشند، یکی از کارکردهای مختص امام معصوم است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۲۴۶). رنج اختیاری، در این مقیاس، نه صرفاً الگویی بیرونی، بلکه محرکی باطنی است که بیداری و تحول قلبی را برمی‌انگیزد. در این معنا، تحمل آگاهانه آلام، بخشی از فعل هدایتی امام است که به مدد ولایت تکوینی، دل‌های مستعد را به ایمان و عمل صالح سوق می‌دهد (سبحانی، ۱۴۰۲: ۲۵۵).

۳-۳. ایجاد تعادل میان عاطفه و عقلانیت

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد رنج اختیاری امام، برانگیختن احساسات عمیق انسانی در کنار فعال کردن بُعد عقلانی است. این هم‌زمانی، که در روان‌شناسی اجتماعی با ترکیب «قانع‌سازی عاطفی-شناختی» شناخته می‌شود (جاسپر، ۱۹۹۷: ۱۲۳)، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که مخاطب نه صرفاً در لحظه متأثر شود و نه تأمل را فدای هیجان کند، بلکه پیام را در لایه‌های ذهنی و اخلاقی خود تثبیت نماید.

۳-۴. تربیت فضایل اخلاقی از رهگذر تجربه جمعی

رنج اختیاری امام، الگویی عملی برای فضایل محوری چون صبر، ایثار، وفاداری و مقاومت در برابر ستم است. از دیدگاه اخلاق دینی، این نوع از تربیت، از جنس «تعلیم ناطق» است؛ یعنی یک تجربه جمعی که در آن فضیلت نه از طریق موعظه، بلکه از راه مشاهده کنش قدسی و مشارکت عاطفی در آن منتقل می‌شود. چنین الگوسازی، ظرفیت اخلاقی امت را برای مواجهه با بحران‌های آینده به طرز محسوسی افزایش می‌دهد (ایبیرمن، ۲۰۰۱: ۷۷).

۳-۵. اتمام حجت تاریخی و تکلیفی

در کلام امامیه، اتمام حجت به معنای رفع هرگونه بهانه از مخاطب در برابر پذیرش پیام حق است. رنج اختیاری، با وضوح نیت و قداست انگیزه، مصداق بارز اتمام حجت است؛ زیرا حتی بی طرف‌ترین ناظر هم با انتخاب اخلاقی گریزناپذیر روبه‌رو می‌شود. این سطح از هدایت، پیامدهای فراتاریخی دارد و نسل‌های بعد را نیز مخاطب خود قرار می‌دهد (سبحانی، ۱۴۰۲: ۱۳۵).

برآیند این کارکردها نشان می‌دهد که رنج اختیاری امام معصوم، فراتر از یک واکنش به وضعیت بیرونی، یک سازوکار چندلایه برای هدایت است که از آشکارسازی حقیقت تا دگرگونی رفتاری و قلبی امت را دربر می‌گیرد. این سازوکار، با پیوند میان عاطفه، عقل، اخلاق و ولایت، انسجامی را شکل می‌دهد که بدون آن، پیام امامت به تمامی ظرفیت تاریخی و معنوی خود دست نمی‌یابد.

۴. مکانیزم‌های ایجاد تحول معنوی جمعی

تحول معنوی جمعی، در سنت امامیه، نه صرفاً محصول رخدادهای عاطفی بزرگ، بلکه نتیجه فرایندی چندمرحله‌ای است که در آن مؤلفه‌های شناختی، اخلاقی، عاطفی و هویتی به هم گره می‌خورند. رنج اختیاری امام معصوم، به مثابه یک محرک محوری، این فرایند را از نقطه آغاز تا تثبیت نهایی هدایت می‌کند. می‌توان این مکانیزم‌ها را با تکیه بر مبانی کلامی امامیه و یافته‌های نظریه‌های علوم اجتماعی، در قالب سه محور تحلیلی بررسی کرد.

۴-۱. شوک اخلاقی؛ تخریب نظام هنجاری موجود

رنج اختیاری امام، به‌ویژه زمانی که آشکار و علنی روایت می‌شود، بر وجدان جمعی ضربه‌ای عمیق وارد می‌کند. این ضربه همان «شوک اخلاقی» است که در نظریه جنبش‌های اجتماعی به مثابه محرک تغییر نگرش شناخته می‌شود (جاسپر، ۱۹۹۷: ۴۳۲). در این مرحله، مردم با تضادی عریان میان ارزش‌های ادعایی قدرت حاکم و واقعیت رفتارشان مواجه می‌شوند؛ مثلاً در کربلا، تعارض میان شعار «خلافت» و اعمال خشونت علیه اهل بیت پیامبر ﷺ ساختار معنایی نظم اموی را درهم شکست. از دیدگاه کلامی، این اتفاق به معنای روشن شدن حجت و آشکار شدن باطل در برابر دیدگان عموم است (سبحانی، ۱۴۰۲: ۱۴۵).

۴-۲. بحران معنایی: تعلیق باورهای پیشین

به دنبال شوک اخلاقی، جامعه به مرحله‌ای می‌رسد که مفروضات پیشین درباره عدالت، مشروعیت و معنای زندگی دچار تزلزل می‌شود. این «بحران معنایی»، چنان‌که در فلسفه دین و جامعه‌شناسی معرفت فهم می‌شود، ضرورت بازتعریف مفاهیم کلیدی را ایجاد می‌کند. امام معصوم، با توضیح، موضع‌گیری و الگودهی عملی، این وضعیت تعلیق را به فرصتی برای بازاندیشی ارزش‌ها بدل می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۸۶). در این مرحله، رنج امام نه فقط محرکی عاطفی، بلکه راهنمایی عقلانی برای عبور از ابهام به وضوح است.

۴-۳. بازسازی هویت جمعی: خلق خود جدید امت

مرحله سوم، بازتعریف «ما»ی جمعی است. در این بازسازی، امت از دل بحران، هویتی تازه می‌آفریند که بر پایه آموزه‌ها و سیره امام شکل می‌گیرد. نقش رنج اختیاری در اینجا دوگانه است: ازسویی، به مثابه «روایت مرکزی» حافظه جمعی امت معرفی می‌شود (حلواکس، ۱۹۹۲: ۳۸) و ازسوی دیگر، ارزش‌های جدید چون مقاومت، ایثار و مسئولیت‌پذیری را به سنگ بنای هویت اجتماعی بدل می‌کند (ایبرمن، ۲۰۰۱: ۹). این بازسازی، اگر در چهارچوب آموزه‌های وحیانی هدایت شود، می‌تواند نه تنها جماعت مؤمنان، فرهنگ عمومی را متأثر سازد.

این سه مکانیزم در کنار هم، یک مسیر تحول‌گرای منسجم را به تصویر می‌کشند: رنج اختیاری امام ← شوک اخلاقی ← بحران معنایی ← بازسازی هویت جمعی ← تثبیت پیام. چنین روندی در نهایت به تداوم هدایت در بستر حافظه جمعی می‌انجامد که موضوع آن در ادامه بررسی خواهد شد.

۵. تثبیت پیام و حافظه جمعی

فرایند هدایت و تحول معنوی جمعی فقط با وقوع تحول درونی و بازسازی هویت به پایان نمی‌رسد؛ زیرا پیام، حتی اگر در نسل نخست فهم و پذیرفته شود، در معرض فرسایش، تحریف یا فراموشی است. در سنت امامیه، این دغدغه بخش جدایی‌ناپذیر از مأموریت امام و جانشینان فکری اوست و نیازمند تمهیداتی چندلایه برای تثبیت پیام و تحکیم آن در حافظه جمعی است. این تثبیت نه صرفاً یادآوری رویداد، بلکه «حفاظت از معنای اصیل» و «به‌روز نگه‌داشتن کارکرد هدایتی آن» است.

۱-۵. لایه‌های تثبیت پیام

الف) تثبیت معنایی و تفسیری: نخستین بُعد تثبیت، حفظ چهارچوب معنایی پیام است تا از تفسیرهای تحریف‌آمیز و تقلیل‌گرایانه در امان بماند. امام معصوم با سخنان، خطبه‌ها و وصایای خویش، چهارچوب تأویلی رویداد را تعریف می‌کند؛ مثلاً در نهضت حسینی، خطبه‌های امام سجاد^{علیه السلام} و زینب کبری^{علیها السلام} بعد از عاشورا، رویداد را به‌عنوان «قیام برای احیای دین و مقابله با فساد» تثبیت کردند، نه حادثه‌ای صرفاً تراژیک یا قبیله‌ای (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۰۴). این سطح از تثبیت، تداوم خط معنایی را تضمین می‌کند.

ب) تثبیت آیینی و نمادین: آیین‌ها، مناسک و نمادهای عمومی، ابزاری پر قدرت برای انتقال پیام به نسل‌های بعدی‌اند. از نگاه حافظه‌شناسی (ایرمن، ۱۹۹۲: ۴۵)، آیین، واقعیت تاریخی را به یک «روایت زنده» بدل می‌کند که هویت جمعی بر آن بنا می‌شود. سوگواری محرم، برگزاری مجالس یادبود و ایجاد زیارتگاه‌ها، عملاً پیام را از خطر فراموشی مصون می‌کنند و فرصت بازخوانی معنوی را هر ساله ممکن می‌سازند.

۵-۲. حافظه جمعی به مثابه بستر ماندگاری پیام

حافظه جمعی، در تعریف اجتماعی آن، ترکیبی است از خاطرات تاریخی انتخاب شده، روایت‌های رسمی و تجربه‌های اشتراکی که یک جامعه را در زمان‌های متفاوت به هم متصل می‌کند (ایبرمن، ۲۰۰۱: ۱۲). در سنت شیعی، حافظه جمعی نه صرفاً آرشیوی از وقایع، بلکه بستری پویا برای بازتولید ایمان و هویت است. ویژگی‌های کلیدی آن عبارت‌اند از: الف) انتخابگری هویتی: فقط آن بخش از وقایع که با نظام ارزشی امت سازگار است، در حافظه باقی می‌ماند؛

ب) قابلیت بازتفسیر: هر نسل در مواجهه با وضعیت جدید، معنای تازه‌ای از پیام استخراج می‌کند، اما در چهارچوبی که امام پایه‌گذاری کرده است؛
پ) مکان‌مندی و آیین‌محوری: مکان‌های زیارتی و مناسک، نقاط تمرکز حافظه را شکل می‌دهند و به آن بُعد مکانی-زمانی می‌دهند.

۵-۳. نقش نداوم روایت در بازدارندگی تحریف

یکی از تهدیدهای دائمی پیام، تحریف است؛ چه در قالب سکوت درباره بخش‌هایی از ماجرا و چه در قالب بازتفسیر مطابق منافع سیاسی. برای مقابله با این خطر، روایت حادثه باید به صورت مستمر و زنده بازگو شود؛ اما نه به طور طوطی‌وار، بلکه با تأکید بر عناصر معنوی و هدایتی. تجربه تاریخی نشان داده که وقتی روایت رنج امام از کارکرد هدایتی‌اش جدا شود، به یک نماد صرفاً عاطفی و کم‌اثر کاهش می‌یابد. در نگاه کلامی، تحریف معنایی، عملاً «قطع جریان هدایت» است.

۵-۴. چهارچوب کلامی-اجتماعی تثبیت پیام

ترکیب دانش کلامی و تحلیل جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تثبیت پیام دارای دو بُعد مکمل است: ۱. بُعد کلامی: تضمین اصالت معنایی پیام در پرتو عصمت و علم لدنی امام و ضبط آن در قالب مکتوبات و سنت معتبر؛ ۲. بُعد اجتماعی: نهادینه‌سازی پیام در الگوهای فرهنگی، نمادها، یادبودها و آیین‌های عمومی، به گونه‌ای که حتی نسل‌های دور بدون واسطه سابقه تاریخی مستقیم، خود را مخاطب پیام بدانند.

۵-۵. از حافظه به کنش: بازتولید پیام در بزنگاه‌های تاریخی

حافظه جمعی اگر فعال بماند، در لحظات بحران می‌تواند به نیروی محرک عمل اجتماعی بدل شود. نهضت‌های عدالت‌خواهانه در جهان اسلام، بارها با استناد به منطق و پیام عاشورا شکل گرفته‌اند، بی‌آنکه نیاز به تجربه مستقیم رویداد داشته باشند. این نشان می‌دهد که حافظه جمعی تثبیت‌شده، پیام امام را از یک خاطره تاریخی به «سرمایه کنش» بدل می‌کند (ایبیرمن، ۲۰۰۱: ۸۸).

۶. مدل تحلیلی تلفیقی: رنج اختیاری امام معصوم و چرخه هدایت-تحول جمعی

براساس مباحث پیشین، می‌توان ساختاری منسجم طراحی کرد که جایگاه «رنج اختیاری امام» را نه به‌مثابه یک رخداد منفرد، بلکه به‌عنوان موتور محرک یک چرخه هدایتی-تحولی تبیین کند. این چرخه دارای پنج لایه درهم‌تنیده است که هرکدام، به‌گونه‌ای متمایز اما پیوسته، کارکرد و اثرگذاری پیام را تضمین می‌کنند.

۱-۶. لایه معرفتی: تولید و انتقال معنای قدسی

در این لایه، امام معصوم با تکیه بر علم لدنی و عصمت، معنایی تولید می‌کند که ریشه در وحی و سنت نبوی دارد. نوآوری در این مدل، تأکید بر نقش «پردازش معرفتی» است؛ یعنی امام نه صرفاً ناقل پیام، بلکه شکل‌دهنده تفسیری است که ظرفیت مقاومت در برابر چرخه‌های تحریف را دارد. این لایه بیانگر پیوند مرجعیت معرفتی با کنش رنج‌آلود داوطلبانه است. رنج، صورت بیرونی حقیقتی است که در ساحت معرفتی طراحی و تثبیت می‌شود.

۲-۶. لایه انگیزشی-عاطفی: برانگیختن و سازمان‌دهی هیجانات جمعی

اینجا رنج اختیاری، موتور عاطفی جامعه می‌شود؛ اما نکته کلیدی مدل این است که هیجان، به‌مثابه یک انرژی اولیه، بدون هدایت عقلانی می‌تواند به بی‌ثباتی بینجامد. بنابراین، ارتباط این لایه با لایه معرفتی، تضمین می‌کند که عاطفه در خدمت یک مسیر هدایتی معین قرار گیرد. این بُعد در نظریه‌های جامعه‌شناسی دین، به‌مثابه نحوه «معنادار شدن هیجان» مطرح می‌شود و در اینجا، نقش امام در کالیبره کردن و هدایت آن برجسته می‌گردد.

۳-۶. لایهٔ هنجاری-اخلاقی: بازتعریف معیارهای رفتار جمعی

در ادامهٔ مسیر، جامعه نیازمند بازتنظیم نظام هنجاری و اخلاقی خود است. این لایه، از نظر تحلیلی، جایی است که رنج امام به الگویی عینی برای مفاهیمی چون عدالت، ایثار و استقامت تبدیل می‌شود. تفاوت رویکرد این بخش نسبت به قسمت‌های قبلی مقاله آن است که اینجا بر فرایند نهادینه‌سازی ارزش‌ها تأکید داریم، نه صرفاً معرفی آن‌ها. نهادینه‌سازی بدین معناست که ارزش‌ها در زبان، آموزش، نهادهای دینی و حتی قوانین بازتاب پیدا کنند.

۴-۶. لایهٔ هویتی-روایتی: تولید روایت بنیان‌گذار

در این لایه، ما با «روایت مرکزی» سروکار داریم که جامعه حول آن تعریف می‌شود. این روایت صرفاً بازگویی یک تاریخ نیست، بلکه نقشهٔ راه آینده است. مدل پیشنهادی این مقاله بر نقش پیوند روایت با «خود جمعی» تأکید دارد؛ یعنی جامعه خود را از طریق این داستان می‌شناسد و بازتولید می‌کند. این نکته، برخلاف مباحث پیشین که صرفاً به نقش حافظهٔ جمعی پرداختند، بر عنصر ساخت هویت آینده‌نگر متمرکز است.

۵-۶. لایهٔ نهادی-زمانمند: تعبیهٔ پیام در ساختارهای پایدار

پایانی‌ترین لایه، تضمین بقای پیام در طول زمان است. این امر از طریق ایجاد نهادها، آیین‌های تکرارشونده و مکان‌های حافظه‌ای انجام می‌شود، اما وجه تمایز این مدل آن است که رابطهٔ نهاد و معنا را بررسی می‌کند. نهاد بدون معنای زنده، به پوسته‌ای تشریفاتی بدل می‌شود؛ از این رو، چرخهٔ هدایت نیاز دارد که نهادها همواره به لایهٔ معرفتی و روایتی اتصال مستقیم داشته باشند.

۶-۶. تعامل پویا میان لایه‌ها: چرخهٔ هم‌افزا

ویژگی کلیدی این مدل، تعامل دوسویهٔ میان لایه‌هاست: لایهٔ معرفتی محتوای معنا را تولید می‌کند؛ لایهٔ انگیزشی، مخاطب را به سوی آن جذب می‌کند؛ لایهٔ هنجاری، این معنا را در رفتار و ساختار اجتماعی نهادینه می‌کند؛ لایهٔ روایتی، حافظه و هویت را حول آن سازمان می‌دهد، لایهٔ نهادی، بستر مادی و زمانی برای استمرار آن فراهم می‌سازد. این چرخه، به‌طور

مداوم قابل‌احیاست و چنین پویایی، رمز فرازوی پیام از یک رویداد تاریخی به یک اصل زنده و جاری است.

از این رو، مدل پیش‌رو، با ادغام رویکرد کلامی و علوم اجتماعی، از سه جهت نوآورانه است: ۱. پرهیز از تک‌بعدی‌گرایی: نگاه هم‌زمان به معرفت، عاطفه، هنجار، هویت و نهاد؛ ۲. پویایی چرخه: پیام نه تنها در نقطه وقوع رنج معنا می‌یابد، بلکه در بستر زمان بازتولید می‌شود؛ ۳. قابلیت عملیاتی: مدل می‌تواند مبنای مطالعات موردی آینده، از کربلا تا دیگر مصادیق رنج مقدس، قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی نقش رنج اختیاری امام معصوم در هدایت و تحول معنوی جمعی، نشان داد که این رنج نه صرفاً یک تجربه فردی، بلکه پدیده‌ای راهبردی و ساختاری است که در قالب چرخه‌ای چندلایه، پیام هدایتگر را تثبیت، بازتولید و به کنش جمعی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین یافته این است که رنج امام به «منبع قدرت معنوی» مبدل می‌شود که با بهره‌گیری از علم لدنی و عصمت، چهارچوب معرفتی پیام را حفظ کرده و از تحریف مصون می‌دارد؛ این معنا بخشی برخوردار از اصالت، زیربنای پایدار چرخه هدایت است. هم‌زمان، این رنج به واسطه تبدیل شدن به محرک هیجانی معنادار، زمینه ایجاد انگیزش اجتماعی متعادل و عقلانی را فراهم ساخته و از انحرافات عاطفی و بحران‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. در بُعد هنجاری، رنج امام به بازتعریف ارزش‌ها و ساختارهای اخلاقی منجر می‌شود. این بازتعریف از طریق نهادینه‌سازی در آیین‌ها و نهادهای بومی، به استحکام پیوند میان پیام و گفتمان جمعی دامن می‌زند. لایه هویتی-روایتی نیز با خلق روایت مرکزی و بازسازی «خود جمعی» به شکل چشم‌اندازی آینده‌نگر، مسیر تحولی جامعه را ساماندهی می‌کند. نهایتاً، به وسیله تعبیه پیام در ساختارهای نهادی و آیینی، پایداری معنوی و فرهنگی پیام تضمین می‌شود و از تقلیل پیام به صرف نماد یا مناسک جلوگیری می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که رنج اختیاری امام معصوم، فراتر از جنبه‌های صرفاً عاطفی و تاریخی، به مثابه یک مکانیزم کلیدی برای حفظ اصالت و پویایی پیام دینی و فرهنگی به کار گرفته شده

است؛ به عبارتی، این رنج «سرمایه کنش جمعی» را تولید و بازتولید می‌کند که نقش محوری در ماندگاری معنا و هدایت جامعه دارد. بدین ترتیب، ارائه مدل تحلیلی تلفیقی چرخه هدایت-تحول، ضمن پرهیز از ساده‌سازی تک‌بعدی، امکان درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده معنوی، فرهنگی و نهادی فراهم آورده و راه را برای مطالعات آینده پژوهانه و کاربردی‌های عملی در حوزه علوم دینی هموار ساخته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، بی جا، دار صادر.
- ایبرمن، ران (۲۰۰۱). آسیب فرهنگی و تشکیل هویت جمعی، برکلی، دانشگاه کالیفرنیا.
- حلواکس، موریس (۱۹۹۲). درباره حافظه جمعی، ترجمه لوئیس آ. کوزر، شیکاگو، دانشگاه شیکاگو.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۶ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، منشورات الشریف الرضی.
- _____ (بی تا). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مطبعة الداوری.
- جاسپر، جیمز ام (۱۹۹۷). هنر اعتراض اخلاقی: فرهنگ، زندگی نامه، و خلاقیت در جنبش های اجتماعی، شیکاگو، دانشگاه شیکاگو.
- سبحانی، جعفر (۱۴۰۲). منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۶). تنزیه الأنبياء والأئمة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، قم، دارالذخائر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۱). الاعتقادات فی دین الإمامیه، تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۲۶). تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۲۵ق). تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ الف). امامت و رهبری، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۷۴ ب). حماسه حسینی، تهران، صدرا.